

## دست کشیدن پولیس از وظیفه و پاسخ نابجای وزارت داخله

نسیم ابراهیمی



می شدند و مسوول شاهراه ها کدام نهاد است؟ پرسش می شود، باشد سرچایش. با این حال، دفتر والی ارزگان از مسئله ی دیگری خبر می دهد که می تواند یکی از دلایل اصلی را در برابر چنین مشکل، ارائه کند. مسدود شدن شاهراه و تخلیه این پوسته ها، بر اساس گزارش دفتر والی ارزگان به رهبری پولیس در این ولایت بر می گردد که وزارت داخله در حل آن عاجز بوده است. تا کنون هفت بار شده است که پوست قوماندان امنیه ارزگان، تغییر و تبدیل شده و با هر تغییرات، نه تنها که مشکل حل نشده، بلکه به لایه های دیگری از این مشکل افزوده شده است. شاهراه حدود ۱۶ کیلومتره کندهار است ارزگان، در جریان ۹ ماه امسال ۲ بار به مدت ۳ ماه مسدود شده است. در ماه ثور سال جاری، چند پوسته امنیتی همین شاهراه سقوط داده شد که ادعا می شد از سوی رحیم الله خان، معاون قوماندانی امنیه ولایت ارزگان معامله شده و

قسمت بعدی، صریحا با ذکر قید بیان کرده که آن ها شامل پرسونل پولیس ولایت ارزگان نمی باشند. آن گونه که در اعلامیه وزارت داخله منتشر شده، به نظر می رسد که مسوولان این وزارت، بدون دقت به گزارش های منتشر شده، پاسخ داده اند. مسوولان محلی تخلیه شدن هفت پوسته امنیتی را تایید کرده اند اما وزارت داخله حرف تنها از ۲ پوسته امنیتی می زند و با طفره رفتن از اصل قضیه، بازی با کلمات را به پیش می گیرند؛ با تناقض گویی یک بار می گویند که این پوسته ها از سوی افرادی که در چارچوب پولیس ملی نیستند اداره می شدند و یک بار هم می گویند که این پوسته ها مربوط ارزگان نه، مربوط کندهار است. حال آن که مقام های محلی گفته اند که پوسته های پولیس هم در مربوطات ولایت ارزگان و هم در مربوطات کندهار، تخلیه شده اند. دوم این که اگر این پوسته ها از سوی پولیس اداره نمی شوند، از سوی چه کسانی اداره

شود را دریافت نکرده اند. وزارت امورداخله، موضوع را تحت بررسی قرار داد که معلوم شد، افراد متذکره شامل تشکیلات پولیس ملی نمی باشند». در این اعلامیه هم چنان افزوده شده است: «طبق هدایت وزیر امور داخله، در چند ماه اخیر، پروسه اصلاحات در صفوف پولیس ملی در ولایت ها عملی شد که در جریان این پروسه معلوم شد که افراد متذکره در تشکیلات پولیس ولایت ارزگان نبوده و ساحاتی که این افراد در آن وظیفه اقدام زده اند. به گذشته این مقام ولایت ارزگان، سرایان به مدت چهار ماه معاش شان را دریافت نکرده اند. در این مدت مسیر شاهراه نیز به دلایل امنیتی، به روی ترافیک مسدود بوده است. اما در پاسخ به این گزارش، وزارت داخله اعلامیه ای را صادر کرده و نوشته است: «اخیرا برخی از رسانه ها، گزارش های نشر کرده اند که گویا شماری از متناقض پولیس ملی، موظف در دو پوسته امنیتی در مسیرشاهراه کندهار است ارزگان، معاش

روز جمعه هفته گذشته، پولیس حداقل هفت پوسته امنیتی را در شاهراه کندهار — ارزگان تخلیه کردند و وظایف خویش را به حالت تعلیق در آوردند. آن ها خواست ساده ای داشتند، تا زمانی که معاش شان پرداخت نشود، به وظیفه ی خود بر نمی گردند. دفتر والی ارزگان، چنین پیش آمدی را تایید کرده است؛ اما وزارت داخله این مسئله را تکذیب کرده و گفته، آن هایی که پوسته های امنیتی را رها کرده، نه شامل پولیس ملی است و نه هم مربوط ارزگان.

روز یکشنبه هفته جاری، خبرگزاری رصد از قول دوست محمد نایب سخنگوی والی ارزگان نوشته بود که به تعداد چهل تن از پرسونل پولیس در مسیر شاهراه کندهار است ارزگان، وظایف خویش را به روز جمعه ۲۹ دلو به حالت تعلیق در آورده و با تخلیه کردن پوسته های امنیتی، به شهر ترینکوت برگشته اند. هم چنان در گزارش از قول این مقام ولایت ارزگان نوشته شده بود که چند پوسته ی دیگر نیز در همین مسیر در مربوطات ولسوالی شاه ولیکوت کندهار، به همین منوال تخلیه شده است. با این حال، بر اساس گزارش رسانه ها، ۳ پوسته در مربوطات ولسوالی شاه ولیکوت که تعداد پرسونل آن به ۴۰ نفر می رسید نیز همانند همکاران ارزگان خود اقدام کرده اند. سخنگوی والی ارزگان تایید کرده است که این سرایان پولیس، به دلیل پرداخت نشدن معاش شان دست به این اقدام زده اند. به گفته این مقام ولایت ارزگان، سرایان به مدت چهار ماه معاش شان را دریافت نکرده اند. در این مدت مسیر شاهراه نیز به دلایل امنیتی، به روی ترافیک مسدود بوده است.

اما در پاسخ به این گزارش، وزارت داخله اعلامیه ای را صادر کرده و نوشته است: «اخیرا برخی از رسانه ها، گزارش های نشر کرده اند که گویا شماری از متناقض پولیس ملی، موظف در دو پوسته امنیتی در مسیرشاهراه کندهار است ارزگان، معاش

سر مقاله

## ضرورت تقویت فرهنگ قانون گرایی

مهدی مدبر

سالها جنگ باعث شده است که قانون گرایی در افغانستان نهادینه نگردد و قانون گریزی به یک امر عادی تبدیل شود. فقدان قانون گرایی باعث گردیده است که عدالت تطبیق نگردد و بسیاری از فضایی حقوقی و جنایی بصورت عادلانه رسیدگی نگردد.

در دهه های گذشته مطالبات شهروندی و سیاسی به دلیل نبود یک ساختار سیاسی قانونمند، از راههای نظامی دنبال شده است و حتی تا اکنون که حکومت ساختار قانونمند دارد و نهادهای قانونی موجود است، بسیاری ها باورمند به استفاده از روش های نظامی برای رسیدن به مطالبات سیاسی است و آن را ساده ترین راه رسیدن به هدف می دانند. گروه طالبان و سایر گروه های تروریستی از نمونه های بارز این امر هستند. اما تجربه های تاریخی ما نشان می دهد که درگیری های نظامی و فقدان قانون در جامعه، بیشتر از اینکه منجر به تأمین عدالت و برابری اجتماعی گردد و راههای رسیدن به مطالبات سیاسی را آسان کند، منجر به ویرانی کشور و زیربناهای اقتصادی و فرهنگی گردیده است و شکاف های اجتماعی و نابرابری را افزایش داده است.

در یک و نیم دهه گذشته حکومت افغانستان تلاش کرده است که قانون گرایی در کشور بوجود بیاید و فرهنگ معافیت از مجازات و قانون گریزی پایان یابد، اما چالش های سیاسی و اجتماعی باعث شده است که این فرهنگ نهادینه نگردد و باورمندی به قانون و رفتار قانونمند در درون نظام و جامعه افغانستان تقویت نگردد. نهادینه سازی فرهنگ قانون گرایی و تقویت آن یکی از ضرورت های اساسی دولت و مردم افغانستان است. این فرهنگ زمانی بوجود می آید که در گام نخست مقامات بلند پایه حکومتی باورمند به رفتار قانونی و پیروی از قانون گردند و عبور از قانون را خط قرمز شان بدانند.

هیچان نهادهای تحقیقی و قضایی کشور باید جایگاه واقعی شان را به دست بیاورند و احکام آنها باید توسط نهادهای ذیربط تطبیق گردد. بدون تطبیق قانون و حکم نهادهای تحقیقی و قضایی، جلو قانون گریزی گرفته نخواهد شد و مردم افغانستان به این نهادهای باور و اعتماد نخواهند کرد و فرهنگ قانون گرایی در کشور تقویت نخواهد شد.

وضعیت سیاسی کشور اقتضا می کند که باورمندی به قانون به یک اولویت برای حکومت و مردم افغانستان تبدیل شود و به فرهنگ معافیت از مجازات به طور کلی پایان داده شود. ما اکنون راه بهتری از پیروی از قانون و اعاده حقوق خود از مجزراهای قانونی نداریم، به این لحاظ لازم است که همگان تلاش ورزند که قانون گرایی در کشور تقویت گردد و قانون گریزی و فرهنگ معافیت از مجازات پایان یابد.

تقویت قانون گرایی می تواند در بهبود ثبات و امنیت کشور موثر باشد و شکاف های اجتماعی را کاهش دهد. در این اواخر مسایل حقوقی مرتبط با محافظان معاون اول ریاست جمهوری، نگرانی ها را در مورد تطبیق قانون و رسیدگی عادلانه به این پرونده بوجود آورده بود. از سوی دیگر این نگرانی نیز وجود داشت که این مسئله تنش های سیاسی و اجتماعی را در افغانستان افزایش دهد و باعث شود که حکومت افغانستان در راستای تطبیق قانون با چالش های بیشتری مواجه شود. اما دپورت وزارت داخله اعلان کرد که هفت تن از محافظان جنرال دوستم برای تحقیق به لوی سارنوالی حاضر شده اند و از ین قضیه از مجزراهای قانونی اش پیگیری خواهد شد.

حضور محافظان جنرال دوستم در لوی سارنوالی، نمایانگر وجود آمدن عقلایت سیاسی در جامعه افغانستان است. این کار علاوه بر اینکه تنش های سیاسی را پایان خواهد داد، فرهنگ قانون گرایی را در کشور نیز تقویت خواهد کرد و امیدوار می ها را در مورد رسیدگی عادلانه به این پرونده افزایش داده است. رفتار جنرال دوستم به دلیل جایگاه سیاسی و اجتماعی اش برای مردم افغانستان با اهمیت است و همواره در مرکز توجه قرار دارد. تن دادن معاون اول ریاست جمهوری کشور به روند قانونی پیگیری پرونده، می تواند منجر به باورمندی مردم افغانستان به قانون و نهادهای عدلی و قضایی کشور گردد.

## صلح چیست؟

صلح و آشتی را باید در زندگی هرروزه پیدا کرد، در شهری که پذیرای غریبه های آشفته حال است.

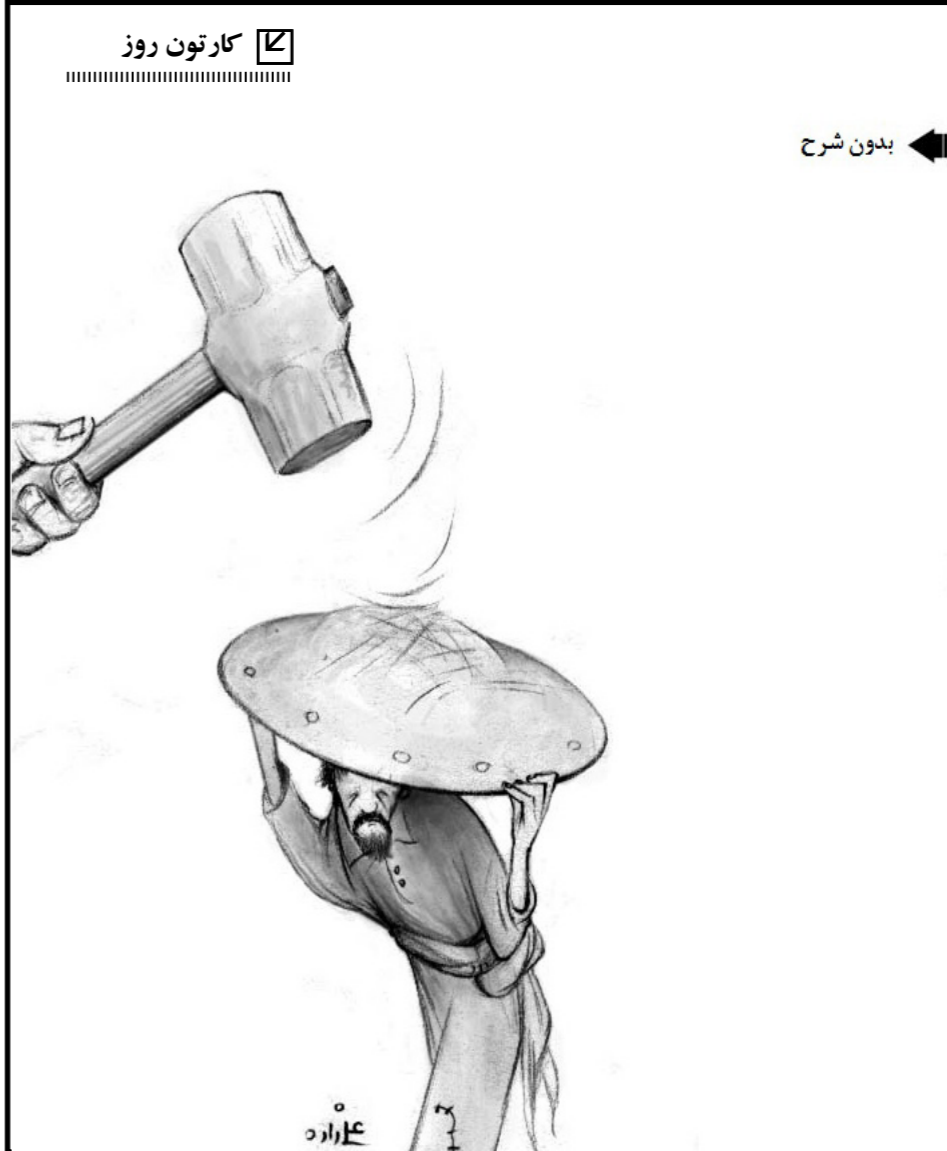
مارگارت پیکسن / ترجمه: مهرداد پارسا / قسمت اول



آشفته از تجاوز جنسی، در چشم انداز پرسه می زنند؛ در اردوگاه ها قانون بغای سازگار ترین حاکم بود؛ زنان حامله ای بودند که آن قدر کتک می خوردند که بچه شان تلف می شد و اجساد در زمان قحطی بر روی هم تلنبار می شدند؛ مواردی بود که فردی به خاطر زدی بر خشونت و جنگ شما را احاطه کرده اند. اسی گسائی بودند که به خاطر یهودی، مسیحی یا مسلمان بودن مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند.

فرض کنیم در جهان اندیشه های که شما را احاطه کرده اند، درباره اینکه چگونه باید این آشوب و نابسامانی را بفهمیم، برآوردهای صورت می گرفت: حضور گونه های خاصی از حکومت ها، حضور انواع خاصی از تفاوت و تنوعات اجتماعی، و حضور انواع خاصی از ادیان. همچنین فرض کنیم این داستان های آشفته کننده سالیان سال بر روی هم تلنبار شده اند و تنها در برخی مقاطع توجه تان را جلب می کنند و شما دیگر نمی خواستاید درباره جنگ پژوهش کنید.

یکباره کاشف به عمل می آید که پژوهش درباره صلح دشوارتر از چیزی است که گمان می کردید با آدست کم برای من این گونه بوده است. من انسان شناسی ام که سال ها در میان مردم روستایی زندگی کرده ام و سؤال هایی اساسی درباره چگونگی عملکرد حافظه در آن گروه ها پرسیده ام. فکر می کردم درباره چگونگی آغاز مطالعه صلح ایده های دارم. به هر حال، اگرچه داستان های مربوط به خشونت پر شمار بودند، گویی اغلب مردم در زندگی مشغله های دیگری داشتند: آن ها در آشپزخانه ها یا مسازع کار می کردند، آب حمل می کردند، تصمیم می گرفتند که بر اساس آب هوای دست به چه کاری بزنند، با مهمان ها غذا می خوردند، و فضولات دام را نظافت می کردند. مردم در شرایط عادی، حتی اگر گاهی هم خشمگین می شدند، هر روز با مشکلات و راه حل های کاری یا یکدیگر روبه رو می شدند. هم عشق در میان شان بود، هم عیش و هم رنج و اندوه. بهرغم چیزهایی که در زندگی دیده بودند یا آنچه در بدترین روزهای زندگی به دست خودشان رقم می زدند، خود را در اصل نجیب و محترم می شمردند و از جهان نیز انتظار محبت و احترام متقابل را داشتند. یقیناً، باید راه هایی برای جست و جوی آن نوع محبت و احترام رودرو وجود داشته باشند. یقیناً راه هایی برای مطالعه قدرت و محدودیت های آن وجود دارد، به ویژه وقتی مردم با شرایط سخت مواجه می شوند. آیا جوامعی وجود دارند که موفق شده باشند، در شرایط بد، خوب از پس خوب بودن برآمده باشند؟ در پژوهش درباره حافظه، رویه های مقاومت و سماجت را بررسی کرده بودم. آیا ممکن است جوامعی وجود داشته باشند که در برابر خشونت مقاومت کنند و درباره نجابت و احترام سماجت به خرج دهند؟ دقیقا نمی دانستم به چه ایده ای دست یافته ام؛ اما



یافته ام، البته مشخصاً تعداد معدودی از آن ها را. در شگفت بودم که چرا اندیشیدن به صلح و آرامش تا این حد دشوار است یا، بعکس، چرا اندیشیدن به خشونت تا این حد ساده است؟ وقتی نویسندگان و دانشگاہیان درباره خشونت صحبت می کنند، گویی خشونت نتیجه مستقیم اجتناب ناپذیر است (یعنی صلح هیچ اتفاقی رخ نمی دهد) یا تفکر ساده ما چیزی نیست که اساساً بتوان آن را تقسیم و بخش بندی کرد و اگر نتوان آن را بخش بندی کرد، نمی توان مطالعه اش کرد، بلکه تنها می توان آن را احساس کرد. این مایه شرم و ننگی وحشتناک است. در مجموع، چه چیزی مهم تر از محتوای واقعی صلح است؟ وقتی به چشمان افرادی که از نزدیکی با خشونت مواجه شده اند نگاه می کنید، چه چیزی سوهدمندتر از این است که بدانیم در عمل برای ایجاد صلح و آرامش چه تلاش شگفت آوری نیاز است یا صلح بر چه عادات و آوارانه (و حتی پیش یافتاده ای) وابسته است؟

باین همه، بهرغم ثنویت های دگارتی، که همچنان الگوهای علمی ما را شکل می دهند، در واقع شاید بتوان صلح را تحلیل کرد. چه می شود اگر آن را نه مانند چیزی بی زمان بلکه امری بویا در نظر بگیریم، نه مانند چیزی در آغاز یا در پایان، بلکه در حال آشکارسدن، چیزی که اثیری و فرازمانی نیست، بلکه از خاک و زمین زیسته برمی آید؟ چه می شود اگر صلح، در عمل، چیزی تمام و نخرشده باشد؟ در این صورت، دانش اجتماعی می تواند آن را سامان دهد، می تواند از پس بویایی ها برآید و بالاخره می تواند به تداوم درازمدت آن چشم بدوزد و شادمانه به مطالعه رفتارهای بافعل، ناقص و معیوب بپردازد. چنین پژوهشی نیازی به توسل به فرشتگان یا بهشت برین ندارد. در این پژوهش، تنها باید به چهره مردم واقعی و به روابطی توجه کنید که با یکدیگر برقرار می کنند یا نمی کنند، به داستان هایی که بازگو می کنند یا نمی کنند و به اینکه برای پذیرفتن یا نپذیرفتن فرد غریبه به عنوان یکی از خودشان چطور تصمیماتی می گیرند.

فرض کنیم در جهان اندیشه های که شما را احاطه کرده اند، درباره اینکه چگونه باید این آشوب و نابسامانی را بفهمیم، برآوردهای صورت می گرفت: حضور گونه های خاصی از حکومت ها، حضور انواع خاصی از تفاوت و تنوعات اجتماعی، و حضور انواع خاصی از ادیان. همچنین فرض کنیم این داستان های آشفته کننده سالیان سال بر روی هم تلنبار شده اند و تنها در برخی مقاطع توجه تان را جلب می کنند و شما دیگر نمی خواستاید درباره جنگ پژوهش کنید. یکباره کاشف به عمل می آید که پژوهش درباره صلح دشوارتر از چیزی است که گمان می کردید با آدست کم برای من این گونه بوده است. من انسان شناسی ام که سال ها در میان مردم روستایی زندگی کرده ام و سؤال هایی اساسی درباره چگونگی عملکرد حافظه در آن گروه ها پرسیده ام. فکر می کردم درباره چگونگی آغاز مطالعه صلح ایده های دارم. به هر حال، اگرچه داستان های مربوط به خشونت پر شمار بودند، گویی اغلب مردم در زندگی مشغله های دیگری داشتند: آن ها در آشپزخانه ها یا مسازع کار می کردند، آب حمل می کردند، تصمیم می گرفتند که بر اساس آب هوای دست به چه کاری بزنند، با مهمان ها غذا می خوردند، و فضولات دام را نظافت می کردند. مردم در شرایط عادی، حتی اگر گاهی هم خشمگین می شدند، هر روز با مشکلات و راه حل های کاری یا یکدیگر روبه رو می شدند. هم عشق در میان شان بود، هم عیش و هم رنج و اندوه. بهرغم چیزهایی که در زندگی دیده بودند یا آنچه در بدترین روزهای زندگی به دست خودشان رقم می زدند، خود را در اصل نجیب و محترم می شمردند و از جهان نیز انتظار محبت و احترام متقابل را داشتند. یقیناً، باید راه هایی برای جست و جوی آن نوع محبت و احترام رودرو وجود داشته باشند. یقیناً راه هایی برای مطالعه قدرت و محدودیت های آن وجود دارد، به ویژه وقتی مردم با شرایط سخت مواجه می شوند. آیا جوامعی وجود دارند که موفق شده باشند، در شرایط بد، خوب از پس خوب بودن برآمده باشند؟ در پژوهش درباره حافظه، رویه های مقاومت و سماجت را بررسی کرده بودم. آیا ممکن است جوامعی وجود داشته باشند که در برابر خشونت مقاومت کنند و درباره نجابت و احترام سماجت به خرج دهند؟ دقیقا نمی دانستم به چه ایده ای دست یافته ام؛ اما

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسوول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷